

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

لیالی قدر (جله دهم) - موضوع: سوره مبارکه قدر

جله پنجم - استاد اخوت ۱۳۸۳/۰۳/۲۷

در این ایام پایانی ماه مبارک توصیه شده است زیاد استغفار کنید. به دلیل اینکه گویی بساط مهمانی برچیده می شود. برای اینکه خداوند گناهان ما را ببامرزد، صلواتی ختم بفرمایید.

چند بحث مهم در انتهای بحث های قبلی مانده است. «شب، ملائکه، روح، سلام» مطالب باقی مانده است.

لازم است نکاتی را تذکر بدهیم:

- مطالبی که در این چند شب شنیده اید فراز و فرودهایی داشته است. روی برخی از مطالب باید در طول سال کار شود. برخی از مطالب را الان متوجه شدید و برخی را هم اصلا متوجه نشدید که این یا به دلیل غامض بودن مطلب بوده است و یا به دلیل نوع بیان. به هر حال دلایل مختلفی می تواند داشته باشد. بحث های علمی ایجاد نورانیت می کند با این شرط که همان موقع قصد کنیم به اندازه وسعمان عبودیت خدا را به جای بیاوریم. هر آنچه فهمیدیم را عمل کنیم و برخی را هم که متوجه نشدیم. این مطالب روی فرد نشسته است و در زمان خاصی باز می شود. خاصیت علم و حتی خاصیت احکامی بودن علم همین است. اگر مباحث شب قدر غیر از این باشد مباحث شب قدر نیست چون حالت احکامی دارد.
- اگر کسانی که بحث ها را دنبال کردند این قاعده را رعایت کرده باشند که بحث باید به جایی برسد تا کارایی لازم را داشته باشد، این برای آنها بارش بیشتری را به همراه خواهد داشت. منظومه ای دیدن بحث ها خیلی مهم است و خوب است در سوره های مطرح شده نواقص مطالب را پیگیری کنند.
- باز شدن برخی از بحث ها در حکم فرج و گشایش در کل دنیا است و متعلق به یک جمع نیست. بحث های مهمی وجود دارد که به دلیل عدم پیگیری افراد یا عدم نیاز آنها، صحبتی در مورد آنها نشده است. مسائل پیرامون وحی از این باب است. اگر در هر جمعی این مباحث باز شود یعنی ظرفیت های عالم در حال تغییر است و شکل های جدیدی را به خود می گیرد. ما این را به فال نیک می گیریم و باید القائات مثبت کنیم. منفعت آن فقط برای یک

جمع نیست بلکه این منفعت برای تمام مردم دنیاست. کما اینکه وقتی بحثی مطرح و ثبت می‌شود و در بسیاری از مکان‌ها منعکس می‌شود که حتی در جریان آن نیستیم، همه افرادی که به نوعی در آن کار مشارکت داشته‌اند ولو در حد دعا کردن برای آن جمع، در این جریان سهیم هستند.

- نوعاً در شب‌های قدر مطالب زیادی شنیده‌ایم و لازم است در جایی این مطالب را منظم کنیم و یک کار کاربردی هم از آن تعریف کنیم. ان‌شاءالله این رمضان شروعی باشد برای رمضان‌های بعدی و در سال‌های بعد همین بحث را قوی‌تر بتوانیم داشته باشیم.

- این نیتی که هر شب جمعه را به عنوان شب قدر و روز جمعه را به عنوان روز قدر تلقی کنیم و اتصال به امام پیدا کنیم، از بهترین کارهایی است که از سوره مبارکه قدر، قدرشناسی کرده‌ایم و ان‌شاءالله سوره مبارکه قدر این توفیق را برای ما حاصل کند که جمعه‌دار شویم و هر شب جمعه را به عنوان شب قدر، عبادت کنیم. حتی پاسی از شب جمعه را به عنوان شب زنده‌داری شب قدر قرار دهیم و این در نورانی شدن ما خیلی موثر است. این مطالب را برای شب جمعه هم در نظر بگیرید و چون ما ارادت خاصی به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) در شب‌های جمعه داریم، بعید نیست این اتفاق برای ما بیفتد. اگر این اتفاق بیفتد اتفاق خوب و جالب دیگری هم با آن رخ می‌دهد؛ هر هفته یک جمعه دارد و انسان در طول هفته به شوق رسیدن به شب جمعه، هفته خود را سپری می‌کند! چون جمعه نماینده شب قدر او است و باید تقدیرات فرد آنجا تنظیم شود و بررسی و ارزیابی هفتگی در آن شب انجام شود. هر روز و هر شب انسان متصل می‌شود به شب جمعه همان هفته و از همان طریق متصل به شب قدر اصلی می‌شود. شبیه برق‌هایی که در شهرها می‌بینیم که از سیم‌های خیلی قوی به شهر منتقل می‌شود و در نهایت به خانه‌ها می‌رسد.

بحث «شب» باقی مانده است و مطالب بسیار زیادی در قرآن وجود دارد. خیلی نمی‌خواهیم مانند بقیه واژه‌ها آن را در کل قرآن بررسی کنیم، فقط به صورت نکته‌ای به «شب» می‌پردازیم:

«لیل» واژه عجیبی است. برای شب در جمع بندی بهتر است به محضر سوره مزمل برسیم. بحث عجیبی در مورد شب در قرآن وجود دارد. شب بحث‌های علمی جالبی در علوم پایه دارد و از مفاهیم پایه‌ای علوم پایه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱)

محور سوره مزمل خطابی است که به مزمل داده می‌شود؛ کسی که برای استراحت یا سکونت یا تسکین، جامه به دور خود پوشیده است. مزمل «تزمیل» می‌شود؛ فرد عملی را برای خودش روا داشته و برای خودش برنامه‌ریزی داشته است. در بررسی‌های کل قرآن متوجه می‌شویم هرچه که به باب تفعیل می‌رود، نوعی تقدیر دارد.

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)

آدم‌ها احساس می‌کنند شب وقت خواب و استراحت است. خداوند به کسی که به عنوان سکونت و تسکین، جامه-ای پوشانده است دستور می‌دهد که بلند شو و این خلاف طبع شب است. گویی می‌گوید همه شب را بلند شو و اصل را روی قیام می‌گذارد و اجازه و رخصت برای خواب می‌دهد.

نُصِفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)

حضرت علامه (ره) می‌فرمایند که این قیام همراه با نماز است و رتّل قرآن ترتیلا قرآنی در دل نماز یا منسکی بیان شده است. اما به هر حال دستور داده شده که در این بیداری شب، قرآن به صورت ترتیل خوانده شود. ترتیل یعنی نظم در خوانش و بیان الفاظ حتما رعایت شود و به جان فرد بنشیند.

معنی ظاهری «رتّل القرآن» شبیه این است که می‌گویند عجله نکنید. قرآن پیمایی نکنید. قرآن کتاب فهمیدنی است و باید فکر کرد و برای دریافت نکات و ظرایف آن باید با بیانات و لحن‌های مختلفی ادا شود. سوره انشراح می‌گوید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ / وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب»^۱ می‌توانید طور دیگری بخوانید و معنای دیگری بدست آورید. ترتیل یعنی دخالت دادن لحن در بیان و آنگاه فهم.

^۱ سوره انشراح، آیات ۷-۸

در مورد همین آیه به این صورت است که هر وقت از کاری فارغ شدی خودت را به کار دیگری مشغول کن. مراقب باش کار روی کار قبول نکنی. یکبار لحن را تغییر می‌دهم که تو چرا بیکار هستی و چرا برای خودت کاری فراهم نکردی. این از خواص ترتیل است و ایجاد فهم اضافه می‌کند.

در ترتیل پیوسته خواندن آیات مهم است. نظم و چینش و ادای حروف مهم است و دارای نظام تامل و استفاده از تشابهات قرآن است. قرآن محکم و متشابه دارد و تشابهات محل نقطه‌گذاری و ویرگول‌گذاری است. تفکر را با تشابهات فعال کنید و حکمت را از محکمت بگیرید. میدان عمل ترتیل بیشتر روی تشابهات است. «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا / إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۲ می‌توان طوری این دو آیه مشابه را خواند که دو معنای مختلف برداشت کنید و این در نظام تشابهات و ترتیل قرار می‌گیرد.

قرآن نازل شده و ظاهرش خوانده می‌شود و از خواندن آن به معانی باطنی می‌توان پی برد اما چینش آیات خیلی مهم است. در ترتیل تاکید روی آیات مهم می‌شود.

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً (۶)

بحث لیل برخلاف تصور معمول، خوابیدن نیست و نوعی از قیام در آن هست؛ استراحت در آن از مدل ترخیص است. اصل شب قیام شبانه می‌شود و «ناشئه» یعنی سرچشمه و آنچه از شب ناشی می‌شود، تصمیمات و افکاری که در شب شکل می‌گیرد. شب منشاء اثر است. توقع می‌رود هر کاری در روز انجام می‌شود در شب شکل گرفته باشد. شکل‌گیری ابتدایی هر کاری وابسته به داشتن شب خوب است لذا هر کسی روز خوبی نداشته باشد، معلوم می‌شود شب او خوب نبوده است. هسته مرکزی هر روز و پایگاه و کرسی آن (کرسی: منطقه تدبیر) مربوط به شب است. انسان باید در هر شب برنامه‌های روزش را تنظیم کند. نه اینکه در روز نشود تصمیم گرفت بلکه «ناشئه الیل» استحکام بیشتری دارد، «أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً» است و از حیث استواری قیام آن نیز بیشتر است و کارایی و کارآمدی بیشتری برای قیام دارد. «قول» ثقیل مربوط به قرآن است، قولی است که احتیاج به تامل دارد. قول پرمحتوایی است و برای فهم آن نیاز به مرور مکرر دارد، نه اینکه نتوان آن را فهمید.

^۲ همان، آیات ۵-۶

ترتیل می‌تواند مقدمه القاء قرآن به فرد باشد. شما قرآن دارید و ترتیل در شما، ایجاد آمادگی می‌کند. اینکه قرآن را در شب بخوانیم، توفیقی است. از بهترین توفیقات ما در ایام خواندن قرآن، برگزاری کلاس در شب بود. خاصیتش این است که «اشد وطا و اقوم قیلا» است. قرآنی که در شب تعلیم داده می‌شود، پایدارتر است.

قرائت به معنای دیدن و شنیدن و خواندن است به نحوی که در فرد ارتقایی ایجاد کند. استفاده از قوای ادراکی بعد از رویت کتاب که ایجاد فهم متناسب می‌کند را «قرائت» می‌گویند. ترتیل یک کار مقدماتی است که با خواندن و چینش آیات انجام می‌شود. لازم نیست این ترتیل صوت‌دار و صدادار باشد. بعد از ترتیل حقایق دیگری به فرد نازل شود.

یکی از کارهایی که می‌کنیم این است که سعی کنیم درگیری‌های ذهنی‌مان را به شب منتقل کنیم. برای تصمیم‌گیری‌ها، شب را در نظر بگیریم. نباید ذهن به گونه‌ای باشد که هر جا با مشکلی مواجه شد، همان موقع بخواهد راجع به آن فکر کند، این ذهن را مشغول می‌کند چون ممکن است در روز با ده‌ها مسئله روبرو شوید. بهتر است موارد مختلف را در ذهن جمع کند و از مغرب که شب شروع می‌شود تا صبح در یک زمان مشخصی به مواردی که برای فکر کردن در نظر گرفته است، بیانیشد و بخ طور منظم این کار را انجام دهد. اگر کسی اینکار را انجام بدهد، ذهنش منظم می‌شود. برای بدحجابی چه می‌توان کرد؟ شب به آن فکر می‌کنم. آیات مربوطه را مرور می‌کنم و می‌نشینم ببینم خدا در این چه می‌گوید! آنچه در تصمیم‌گیری شب از فرد صادر می‌شود به عمل نزدیک‌تر است. باز بودن ذهن و اینکه هر زمانی فکر کند، ذهن را خسته و قدرتش را کم می‌کند. هرچه شب به سمت صبح برود که نام آن «سحر» است، بهتر است. اما نقطه شروع را جایی بگذارید که می‌توانید و در توان شما هست. وقتی توانستید و جریان فعال شد، یک محل استقرار برای ناشئه لیل داشته باشید بعد آن را به ایده‌آل نزدیک کنید.

این حرف را تمرین کنید و این باعث ارتقاء شما در تصمیم‌گیری‌هایتان می‌شود. مسائل و دغدغه‌هایتان را به شب منتقل کنید. باید ورودی‌های خود را کنترل کنید. اصل تفکر کردن در حوزه‌های مختلف قدرت داشتن در فکر نکردن به خیلی چیزهاست! اگر انسان توانست به یکسری چیزها فکر نکند، می‌تواند راجع به مسائل دیگری فکر کند، اما اگر ذهن باز بود و همه چیز تبدیل به اوام و خواطر شد، این دیگر قدرت تفکر ندارد و قدرت آن کم می‌شود.

زمانی را به دغدغه‌ها و ناشئه لیل اختصاص دهید، بعد موارد مورد نظر را در دفترچه یادداشت کنید. خیلی از مشکلات آدم‌ها این است که چهره فرد شبیه فکر شده است! این چهره باید باز باشد. این فکر را به یک زمان خاص منتقل کنید، هم قدرت شما بیشتر می‌شود و هم تصمیم‌گیری‌هایتان.

ما باید «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً»^۳ را باور کنیم. اگر کسی در سبک زندگی، شب داشت منجر به داشتن روز می‌شود. بدون داشتن شب، کار روز رشد نمی‌آورد. منشاء بسیاری از مشکلات روحی و روانی و وسواس‌ها مربوط به همین موضوع است. چون نمی‌تواند واردات خود را کنترل کند، مشکل پیدا می‌کند و چون نمی‌تواند جلوی خواطرش را بگیرد، خیلی از افسردگی‌ها در او شکل می‌گیرد. اگر قومی همین را رعایت کند، تبدیل به قومی خندان می‌شوند.

کسانی که شغل آنها دائماً تصمیم‌گیری است باید برای خود برنامه دوره‌ای داشته باشند و اجازه فکر کردن در زمان‌هایی را به خودشان ندهند. نوعاً افرادی که در بحث نظام‌سازی وارد می‌شوند، دچار جمود می‌شوند و خلاقیت‌شان را از دست می‌دهند. حتماً باید دوره‌های استراحت در حوزه‌های ادراکی اتفاق بیفتد.

این مورد شبیه فیلترهای تسویه آب عمل می‌کند و نوعی شیطان‌گشی است. شیطان در بعضی جاها ایجاد عجله می‌کند و در بعضی موارد شما را به تاخیر می‌اندازد. روز، وقت عمل است و سرعت در عمل یعنی چند کار را با سرعت و کوتاه‌ترین مسیر ممکن انجام دهید، این می‌شود «سبح طویل». تاخیر در کارهای روز به خاطر فکرها و دغدغه‌هاست. در روز تا جایی که می‌شود آدم باید فکر نکند، بلکه باید عمل کند. همه دارند فکر می‌کنند و همه بدبخت هستند! به این دلیل است که همه خواطر را به جای تفکر اشتباه می‌گیرند و از کار کردن در طول روز باز می‌مانند. در حالیکه تفکر یک مقوله ارتقاءدهنده است. سعی کنیم در روز برای انجام یک کار، سریع‌ترین راه را طی کنیم. در روز مانند فنر عمل کند اما باید در شب، از گفتگوها کم کند و گفتگوی درونی داشته باشد. همان فنر روز باید در شب آرام و اهل تأمل باشد! این کار فرد را بسیار قدرتمند می‌کند.

ذهن پر دغدغه می‌تواند ترتیل بخواند اما ذهن بی‌دغدغه اصلاً امکان ترتیل خواندن برای او نیست. در ترتیل باید انواع حالت‌ها را بچیند. این فقط از ذهن پر دغدغه برمی‌آید. تا کسی در زندگی مصداق نداشته باشد، قرآن خواندن برایش مصداق ندارد.

^۳ سوره مزمل، آیه ۶

باید دغدغه‌ها به شب منتقل شود اما قرآن خواندن فقط مربوط به شب نیست. در روز هم قرآن می‌خوانید کما اینکه در نمازهای روزانه نیز قرآن می‌خوانید. شب باید محل تصمیم‌گیری‌های روزانه باشد.

با این سوره دید کلی نسبت به قرآن می‌توان پیدا کرد. شب به موقعیت خاصی اطلاق می‌شود و در مقابل آن نهار است؛ اساساً شب بدون نهار معنا پیدا نمی‌کند.

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَلْتَمِتُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا وَاللَّهُ قَرِيبٌ حَسْبًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (٢٠)

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و تعدادی که خود را مقرب به رسول کردند، ابتدا دوسوم شب و در ادامه نصفه و سپس ثلث شب را قیام دارند. طبق ظاهر آیه اینکه چرا مقدار آن یک مرتبه کم می‌شود، برخی می‌گویند بستگی به طول سال دارد و برخی آن را به فرد نسبت می‌دهند و برخی به شرایط مربوط می‌کنند. به نظر ما هر کسی از ظنّ خودش تعریف می‌کند. اینجا با «واو» آمده است. گویی شب برایشان قسمت‌بندی‌های مختلفی دارد و سه نوع قیام دارند؛ قیام دوسومی، قیام نصفی و قیام یک سومی؛ این مربوط به یک شخص است و چون مراتب دارد هر سه قابل جمع است. قدرتی دارد که می‌تواند سه مدل قیام داشته باشد اما اینکه چگونه است باید «مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ» شد و با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشیم تا بفهمیم. برخی از آیات را نمی‌توان فهمید. برخی که «یا» معنی می‌کنند، فهم خودشان است. در قرآن نوعاً یک کلمه معنای کلمه دیگر نمی‌شود مگر اینکه معنای خودش حتماً معنای اصلی باشد. این قاعده قرآن است؛ اگر جایی خواستید «من کل امر» را «بکل امر» معنی کنید، اشکال ندارد اما «من» را «من» بکنید و «باء» را در ضمن «من» معنا کنید. «واو» را اصلی بگیرید و «باء» را در ضمن آن بگیرید.

هر انسانی در زندگی و میزان عمر و خاصیت عمر خود وابسته به شب و روز است؛ محدوده شب و روز تعیین کننده اثر بخشی اوست. این حرف عظمت دارد و نظام تقدیر انسان را به شب و روز او ربط می‌دهد. صدقه دادیم بلا برطرف شد، خوش اخلاقی کردیم و فلان اتفاق افتاد اما آنچه باعث این کارها می‌شود این است که در این شب و

روز، همه این موارد رقم می‌خورد. خدا شب و روز هر کسی را تقدیر می‌کند و بهره‌مندی از مواهب دنیا و آخرت را برای او رقم می‌زند. «عَلِمَ أَنْ لَنْ تَحْصُوهُ»^۴؛ یعنی علم آن مخصوص خداوند است.

لیل و نهار هر انسانی با متولد شدن آن فرد، برایش معنا پیدا می‌کند. وقتی آن انسان از دنیا می‌رود دیگر لیل و نهار برای او معنا ندارد. نظام تقدیر، انسان را به نظام شب و روزش ربط می‌دهد. خداست که شب و روز را تقدیر می‌کند. در اینجا لیل و نهار هر کسی با لیل و نهار دیگری فرق دارد. برای موجودی که متولد نشده است، شب و روز معنا ندارد. لیل و نهار فرایند زندگی یک موجود حی است. مفهوم لیل و نهار نسبت به یکدیگر است و لیل و نهار مربوط به چرخه‌ای به نام «یوم» است که مربوط به بودن در این دنیا است. در قیامت شب و روز ندارید. هر انسانی به اندازه شب و روزش عمر می‌کند.

مفاهیم برخی چیزها خیلی برای ما بدیهی شده است اما اصل تقدیر انسان روی شب و روز می‌آید. فرزند، عمل پدر و مادر است. و برای پدر و مادر شب و روز معنا دارد. بچه داخل رحم هر موقع برای او دعا خوانده شود، زمان برای او بالسویه است.

یوم در قیامت حالت چرخه ندارد. شب و روز ندارد و هیچ موقع هم از آن خارج نمی‌شود. هرچقدر آخرت خوب باشد، به خوبی دنیا نمی‌رسد! در دنیا با یک توبه مرتبه فرد به طور کلی تغییر می‌کند اما در آخرت همه چیز به فعلیت تام رسیده است. کاش به دنیا بر می‌گشتیم و اهل غیبت نبودیم تا فعلیت غیبت در اینجا (آخرت) محقق نمی‌شد و آن را نمی‌دیدیم. در فعلیت حظ و بهره است. مثل نور است و نورافشانی می‌کند. در برزخ حذف و اضافه وجود دارد. همینطوری اتفاق نمی‌افتد و اغلب هم در آن قاعده قرار نمی‌گیرند، مواظب باشید اشتباه نکنید. حتما وقتی انسان آن طرف می‌رود، می‌گوید که وای چقدر دنیا خوب بود! اگر فقط یک هفته فلان کار را کرده بودم، جایگاهم تغییر کرده بود..

سوره طور را بخوانید، قاعده این بحث را آنجا گفته است و احراز آن قاعده به راحتی صورت نمی‌گیرد.

خاطره‌ای به ذهنم آمد؛ بچه‌های جبهه از هم عهد جدی می‌گرفتند که بعد از شهادت حتما به خواب هم بروند. ما هم قراری با دوستان گذاشتیم که او هم شهید شد. بعد از یک سال به خوابم آمد. در خواب از او پرسیدم چرا به خوابم نیامدی؟ بنا بود که بگویی آنجا چه خبر است. گفت در عرش هستم و اجازه آمدن ندارم و دوم اینکه ما ممنوع المنبر

^۴ همان، آیه ۲۰

هستیم (یعنی اجازه صحبت نداریم). ممکن است این خواب توهم ذهنی ما بوده باشد. بعد از آن او هم رفت و دیگر او را ندیدیم.

اگر کسی این مفهوم را بفهمد خیلی شکوه و مجد دارد. هیچ چیزی در این عالم با شکوه‌تر از این دنیا نیست. در این دنیا راحت می‌توانید تغییر کنید. این را کسی که آن طرف رفته است، می‌فهمد. از همین امشب این را تمرین کنید؛ با خوابیدن تمرین برزخ کنید؛ مثلاً من صفتی منفی دارم. یکبار تغییر صفت را در خواب و یکبار در بیداری قصد کنید که تغییر کند. بیداری ظرف تقدیر و تغییر دنیا است، در برزخ فقط اراده است. انسان در فضایی قرار دارد که در عین حال که در فضای تغییر و تقدیر است، در همان لحظه در فضای ثبات و عدم تغییر است و این بسیار باشکوه است. وقتی چرت می‌زنید حالت پیوسته خواب را ندارید. در واقع یک پا در برزخ و یک پا در دنیا است. به خصوص کسانی که نماز شب می‌خوانند و در سجده‌های خود چرت می‌زنند، می‌توانند ماهیت هر دو دنیا را درک کنند! خوابت که می‌برد، هویتت به جای دیگری می‌رود.

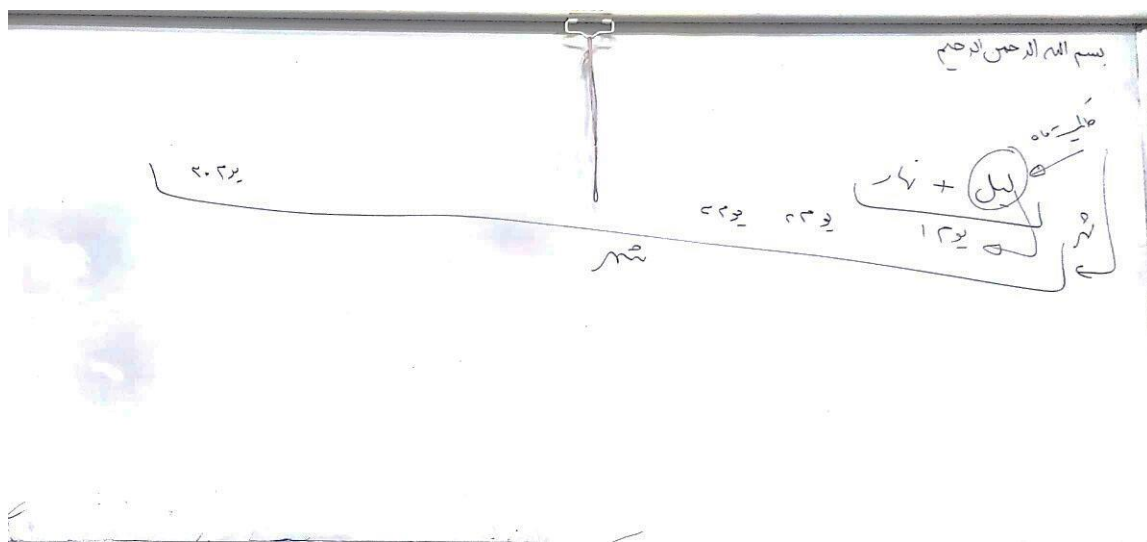
عملیات شب‌زنده‌داری یک عملیات روتین و بدون دغدغه که فرد راحت بیدار شود و نماز شب بخواند، نیست. یک عملیات کاملاً فعال فردی است که به واسطه آن تصمیماتی که در مورد جامعه دارد در آنجا مقدر می‌شود و هر کسی به نسبت این دغدغه‌ها نیاز به بیداری پیدا می‌کند. کار شب و روز، کار تصنعی نیست و نباید به اجبار خودت را بیدار نگه‌داری. الان اگر به اجبار بیدار بمانید بعداً نمی‌توانید بیدار شوید. شب‌زنده‌داری تابع دغدغه‌مندی است. اگر کسی در دنیا بتواند مباحث برزخ را بچشد، خیلی استفاده خواهد کرد. هر بحثی که در قرآن در حوزه اراده انسان است مربوط به برزخ است و هر بحثی که در مورد طلب انسان است به دنیای انسان باز می‌گردد. حضرت امام (ره) کتاب معروفی به نام «طلب و اراده» دارند.

روی همان مقداری که بیدار هستید، برنامه‌ریزی کنید. کار را محال و نشدنی نکنید. می‌توانید شب‌جمعه‌ها را به هم وصل کنید.

گویی این آیه می‌گوید رزق شبانه روز شما، باید قرائت قرآن باشد. در شرایط مختلفی که امکان خواندن قرآن کم می‌شود، باید حتماً قرآن خواندن وجود داشته باشد و کاری کنید که قرآن در رزق شبانه روزتان در هر شرایطی قرار بگیرد.

در شب و این بحث‌ها، فهرستی جهت دغدغه‌ها به شما می‌دهد. هر کسی باید سهمی در اقامه نماز داشته باشد. من برای نماز چه کرده‌ام؟ این باید دغدغه او شود. حتماً باید سهمی از دغدغه‌های او برای زکات باشد. از بین زکات حتماً باید در جاهایی کارهای خاصی انجام بدهد و حتماً از خودش مایه بگذارد. قرض حسن؛ قرض از مقرض است و حتماً باید چیزی را از فرد بکنند و او هم دردش بیاید؛ مثلاً آن شیء‌ای که قرض می‌دهد، مورد نیاز خودش هم باشد. در قرض حسن نباید درد خود را به طرف مقابل انتقال داد؛ یعنی انسان دردش بگیرد اما صدای دردش را کسی نشود. پول بدهی، بدون آنکه کسی که از تو پول می‌گیرد، متوجه دردت بشود. انجام هر کار خیری که در دسترس انسان است نیز باید جزء دغدغه‌های او باشد و باید استغفار و طلب غفران داشته باشد و ملائکه را برای استغفار خود به استخدام بگیرد.

یوم، لیل و نهار است و مفهومی به نام شهر پیدا می‌کند؛ از یوم یک تا یوم بیست و نه یا سی، می‌شود شهر (ماه). تقدیر ماه و سال با لیل است و حاکمیت ماه است که شهرها (ماه‌ها) را ایجاد می‌کند چون بر اساس حرکت ماه، شهر درست می‌شود. ماه است که شکل‌های مختلف دارد و از حاکمیت ماه است که شهر ایجاد می‌شود. قمر در قرآن نماد امام است و همچنین شهر نیز نماد امام است. اثنی عشر نماینده دوازده امام است. ماه انعکاس نو به نو خورشید است و حالت‌های مختلف دارد. اگر وضعیت ماه انعکاس خورشید نبود، ماه و سال هم معنا نداشت. سال بر اساس ماه‌های قمری تعریف می‌شود و یک حیثیتی پیدا می‌کند و عدد سنین و حساب می‌شوند. این مباحث در سوره مبارکه رعد بود.



بر اساس این وضعیت، ایام البیض و اول و وسط و آخر ماه پیدا می‌شود. از آداب سبک زندگی اسلامی، مراقبت داشتن از ایام است. اگر کسی بخواهد تقدیر روز را بفهمد، کافی است به روایات مراجعه کند. آداب انجام کارهای مختلف را در اوقات مختلف ببیند.

این نکته از نظر روش‌شناسی خیلی مهم است. شب و روز دو مفهوم هستند که با هم معنا می‌شوند و در عین حال دارای معنای مستقل نیز هستند. شب یک معنای وجودی پیدا می‌کند. معنای مستقل شب نهفتگی نیست، سیر از نهفتگی تا آشکاری است. این معنا خیلی عمیق است. سیر نهفتگی تا آشکاری، سیر از احکام تا تفصیل، سیر از تصمیم تا اقدام. شب مفهوم بسیار جالبی دارد. اگر شبی از سیر بیفتد، شب نیست؛ یعنی شب نه تنها ساکن نیست بلکه اساس آن بر سیری آرام و نامحسوس است که این سیر به فرد مجال پیشرفت می‌دهد.

سوال: آیا شب قدر، شب خاصی است یا یک موجودیت دارد؟

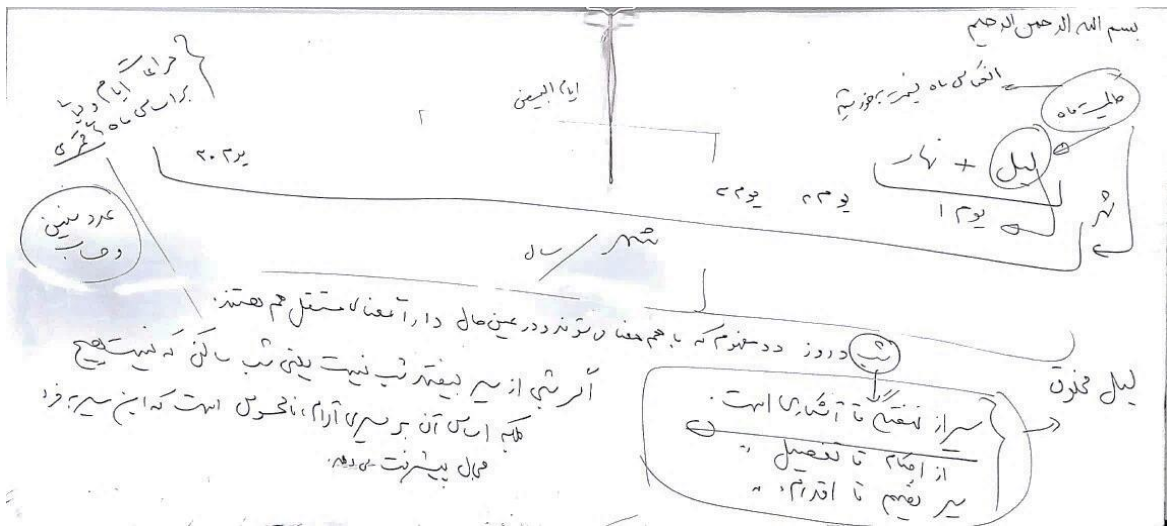
- اگر شب را سیر نهفتگی تا آشکاری بگیریم، مفهوم شب یک موجودیت است و لیل یک مفهوم پیدا می‌کند که اساساً این مفهوم برای یک موجود حی در خیلی جاها قابل پیاده‌سازی است. ممکن است ظاهر قضیه روز باشد اما در حقیقت شب باشد. وقتی می‌گوییم «وَالْفَجْرِ / وَ لَيَالٍ عَشْرًا»^۵ یعنی حکومت ائمه (علیهم السلام) که ده شب سپری می‌شود. آشکاری را حضرت ولی العصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌گیرند، سیر از نهفتگی تا آشکاری را رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌گیرند و سیر نهفتگی همه این‌ها را شب می‌گیرند. اگر در این ساختار بگوئید لیله القدر حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) است، معنا پیدا می‌کند. ایشان سیر از نهفتگی تا آشکاری می‌شوند. در این ساختار همه حقیقت امامت، در وجود مقدس ایشان، از جایی که ام‌اینها بودند تا جایی که حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر می‌شوند، همه در بستر ایشان انجام می‌شوند و او لیله القدر می‌شود.

در لَيْلَةُ الْقَدْرِ «ه» تائید است. در عربی هر چیزی را بخواهند به آن عظمت دهند، به آن تائید می‌دهند، به دلیل زیبایی‌ای که پیدا می‌کند.

اگر کسی بخواهد فضیلت شب قدر را بشناسد، معبر و ورودی و در ورودی آن دنیا است. اگر کسی قدر دنیا را نشناسد، نمی‌تواند فضل لیله القدر را بفهمد. دنیا آن قدر با عظمت است که باید بگویند آخرت برتر از دنیا است^۶.

^۵ سوره فجر، آیات ۱-۲

^۶ سوره ضحی، آیه ۴



تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات